

عنوان مقاله : بررسی رابطه بین معلم و دانش آموز و تاثیر آن در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

۱- محمد مقطعه بازگشنی ۲- الیاس هزاری سرابی ۳- فرزاد دلاوری ۴- وحید پور میردادی

۱- لیسانس آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان شهید رجایی تربت حیدریه

۲- لیسانس آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان دانشور نیشابور

۳- لیسانس آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان شهید رجایی تربت حیدریه

۴- لیسانس آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان شهید رجایی تربت حیدریه

چکیده

مدیریت کلاس بر عهده معلم است که قبل از آموزش یاهر گونه اقدام تربیتی و رفتاری باید کلاس درس را در جهت تحقق اهداف ، مدیریت نماید . مدیریت کلاسدرس چون سایر مدیریت ها مستلزم کارکردهایی چون طراحی و سازماندهی ، هماهنگی و رهبری ، کنترل و نظارت و ارزشیابی است که بدلیل در هم تنیدگی، این کارکردها از یکدیگر تفکیک پذیر نیستند . امروزه ، از مهم ترین چالش های یک معلم در کلاس ، ارتباط موثر و صحیح با فراگیران است از طرف دیگر ارتباط معنا دار ، کلید اجرای موفقیت آمیز بسیاری از شیوه های مدیریت در کلاس می باشد . ارتباط عامل اصل یادگیری است که شاخص های متعددی را در بر میگیرد . اهمیت ارتباط در کلاس درس آنقدر زیاد است که بعضی از صاحب نظران معتقدند ارتباط و اداره و کنترل یک کلاس درس لازم و ملزوم یکدیگرند، مدرسه روابط انسانی را که موجب ایجاد تعادل فکری در فرزند می شود ترغیب می کند و به دانش آموزان این احساس را می بخشد که متعلق به گروه معینی هستند و در این گروه نقش مهمی دارند. در کلاس هایی که در آن روابط انسانی نیکو وجود دارد، محیط مطلوبی ایجاد می کند که دانش آموزان در داخل آن شگفته می شوند و معلم که بیش از هر شخص دیگری در ایجاد روابط انسانی نیکو مؤثر است، باید به گونه ای باشد که در سایه تعادل احساساتی خویش، با دانش آموزان تفاهم پیدا کند. معلم باید بتواند ارتباطی سالم و دو طرفه برقرار نماید تا سبب تبادل افکار و احساسات شده و در قبال آن به انتقال مفاهیم و دانش مورد نیاز دانش آموزان بپردازد و آنها را در فرایند یادگیری راهنمایی نماید و این برقراری ارتباط مؤثر جز با مدیریت اثربخش و توانای معلم ممکن نخواهد شد. پس لازم است که معلمان با شیوه های مدیریت کلاس و مهارت های ارتباط با دانش آموزان آشنا بوده و برحسب موقعیت و فضای کلاس آن را به نحو مطلوب به کار ببندد.

واژگان کلیدی : رابطه فردی - معلم-پیشرفت تحصیلی - دانش آموز

مقدمه :

پدیده ارتباط، نقشی مهم در زندگی اجتماعی انسان بازی می کند. آدمی از طریق پیام های کلامی و غیر کلامی که از محیط دریافت میکند نظام نگرشی، فکری، عاطفی و رفتارهای خود را شکل می دهد. به عبارت دیگر پویایی ارتباطات انسانی واسطه رشد فرایندهای ذهنی، هیجانی، اجتماعی و جسمانی شخصیت به شمار می آید.

پس از این کودک از خانواده گسسته، به کودکستان یا کلاس اول وارد می شود، مدرسه برای سال های متمادی خانه دوم او شده، مرکز جهان خراج از خانوادش را تشکیل میدهد. بدین، کودک اجتماع خویش را از طریق مدرسه می شناسد و شیوههای سازگاری با افراد جامعه ابتدا در آن گسترش میدهد. به عبارت دیگر مدرسه یکی از مهمترین منابع تربیت اجتماعی فرد محسوب میشود و میتواند آنچه را والدین ناتمام گذاشته اند، کامل کند. اگر هدف از آموزش و پرورش را رشد استعداد های بالقوه، به منظور سازگاری بهتر دانش آموز با جامعه بدانیم، این انطباق هنگامی فراهم می آید که علاوه بر آموزشی لازم، روابط متقابل سالم میان معلم و شاگرد حاکم باشد. از میان عوامل متعددی که در سازگاری و پیشرفت کودک در مدرسه موثر است، احتمالاً روابط معلم و شاگرد، مهمترین آنها به شمار می آید. اهمیت این عوامل مخصوصاً در کلاس اول مشهود است. در این هنگام معلم اولین فرد بزرگسالی است که با گسستن کودک از والدین و محیط گرم خانه وارد زندگی او می گردد و در طول دوران تحصیل اهمیت خود را در رشد ابعاد مختلف شخصیت دانش آموز حفظ می کند. رفتار گرم و سازنده معلم می تواند سبب سازگاری مناسب کودک شود و برعکس رفتار نامناسب وی چنان تعادل روانی کودک را مختل می سازد که نتیجه اش جز سازگاری های اجتماعی و مشکلات عاطفی بعدی در برخواهد داشت. هر یک از معلمان در برقراری ارتباط با دانش آموزان روش خاصی دارند که ناشی از شخصیت دانش آموزان و موقعیت مزبور است با این حال می توان در انواع روابطی که موجب افزایش کفایت و کنترل دانش آموزان شده است و انگیزش درونی ایشان را بهبود بخشیده است عمومیتی قائل شد. معلم می باید ابتدا رابطه ای مثبت حمایت کننده و قابل اعتماد با دانش آموزان برقرار کند چنین هدفی هنگامی حاصل می شود که معلم برای کنترل دانش آموزان بیش از اندازه از تنبیه استفاده نکند و از شوخی های زننده با آن ها اجتناب کند و از پیش داوری های غیر منصفانه پرهیز کند تا به دانش آموزان نشان دهد که همگی دارای ارزش هستند معلم باید در هر موقعیتی آرامش خود را حفظ کند و رفتارش برای دانش آموزان قابل پیش بینی باشد و از آن ها انتظارهای معقول و در عین نه چندان سهل داشته باشد. روابطی که با حمایت و اعتماد همراه است گر چه احساس رضایت دانش آموزان را از پی دارد اما این را مطلبی که معلم از وابسته کردن دانش آموزان به خود پرهیز کند یعنی چنان نباشد که دانش آموزان فقط در پی آن چیزهایی باشند که برای معلم ارزشمند است و به این طریق ارزش های درونی خود را نادیده گیرند معلم باید تلاش کند تا توجه و احترام خود را به دانش آموزان به موفقیت های تحصیلی ایشان مشروط نکند همه ی دانش آموزان اعم از موفق و ناموفق باید این فرصت را داشته باشند که به شکلی مورد توجه و احترام معلم قرار گیرند به علاوه لازم است که در ستایش از فعالی های دانش آموزان به طور کلی کار آن ها را ستایش نکنیم و فقط به تحسین جنبه های موفق در کار آن ها بسنده کنیم. لازم است معلم توجه دانش آموزان را به علت های موفقیت خود جلب کند تا در آینده قادر به تکرار فعالیت های مطلوب خود باشند در نهایت معلم باید به دانش آموزان بیاموزد که لازم است آنها مسئولیت موفقیت ها و شکست های خود را بپذیرند در واقع آن ها باید موفقیت های خود را به توانایی های طبیعی و تلاش های خود نسبت دهند. و شکست ها را نیز ناشی از عدم تلاش خود بدانند بنابراین معلمانی که به بیان علل موفقیت ها و شکست های دانش آموزان می پردازند و بر نقش توانایی و تلاش در آنها تاکید می کنند در افزایش گرایش انگیزشی سازنده ی آن ها گام موثری بر می دارند.

بیان مسئله:

اولین هدف معلم باید برقرار کردن رابطه ی مطلوب، دوستانه و حمایت کننده با دانش آموزان باشد. چنین هدفی فقط با تعامل میان معلم و دانش آموز حاصل می آید. چند روز اول مدرسه و اولین دیدار های دانش آموزان با معلم از این نظر

بسیار مهم است بنابراین باید به آن توجه خاص داشت. معلمان تازه کار به طور معمول از معلمان قدیمی تر می شنوند، که تا هنگامی که دانش آموزان به آن ها احترام نگذاشته اند در برتابر آن ها نخندند. زیرا ایشان بر این باورند که دانش آموزان برای احترام گذاشتن به معلم باید از وی بترسند. اما نظریه پردازان انگیزش می گویند که در روزهای اول به دانش آموزان نشان دهید که به آن ها علاقه دارید و می توانند به شما اعتماد کنند و در صورت نیاز برای هر کمکی به شما رجوع کنند. هدف اصلی در واقع آن است که معلم باید به عنوان فردی بالغ و قابل اعتماد برای دانش آموزان مطرح گردد. خوشبختانه راه های بسیاری برای این منظور وجود دارد. هر گونه برخورد با دانش آموزان در تقویت یا تضعیف تصور آن ها نسبت به معلم موثر است. بنابراین معلم نمی تواند فقط زمان معینی از روز را به برقراری ارتباط با شاگردانش اختصاص دهد، بلکه تلاش برای رابطه ی مثبت باید همه اوقات معلم و دانش آموزان را در بر گیرد. آموزش، بدون ایجاد رابطه ی معنایی نخواهد داشت معلمان در همان آغاز کار خود پی می برند که نحوه ی برقراری ارتباط با دانش آموزان بسیار اهمیت دارد (یغما، ۱۰۵، ۱۳۸۴). آنان از خود می پرسند، آیا به پرورش دانش آموزان پرداخت و به آن ها عشق ورزید و یا باید سختگیر بود و انتظارات زیادی از آن ها داشت؟ آیا باید به دانش آموزان نزدیک شد یا از آن ها فاصله گرفت؟ در این مقاله سعی می شود به این سوال ها پاسخ داده شود. این ها پرسش هایی است که اغلب معلمان تازه کار در اندیشه آن هستند. معلمان با تجربه که شیوه ی خاصی را پس از طی سال ها بر گزیده اند، کمتر در این موارد می اندیشند. به هر حال توصیه می شود تا معلمان به تاثیر نوع ارتباط خود بر شکل گیری گرایش های انگیزش دانش آموزان توجه کنند. روابط مبتنی بر محبت، احترام و اعتماد متقابل میان معلم و دانش آموز هم موجب می شود تا دانش آموز به معلم وابسته نشود و هم انگیزه تحصیلی وی را افزایش می بخشد.

اهداف تحقیق

هدف کلی: مشخص کردن رابطه ی معلم با دانش آموزان و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

اهداف جزئی

- تعیین عوامل موثر بر رابطه ی معلم با دانش آموزان.

- تعیین نقش معلم بر چگونگی رابطه با دانش آموزان.

- تعیین نقش معلم بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

تعاریف نظری و عملیاتی

روابط معلم دانش آموز

آموزش بدون ایجاد رابطه معنایی نخواهد داشت. اولین هدف معلم باید برقرار کردن رابطه ای دوستانه و حمایت کننده با دانش آموزان باشد. باید به یاد داشته باشیم که هرگونه برخورد با دانش آموزان در تقویت یا تضعیف تصور آن ها نسبت به معلم مؤثر است. بنابراین تلاش برای رابطه مثبت با دانش آموز باید همه اوقات معلم و دانش آموزان را در بر بگیرد.

تعاریف مدیریت

- مدیریت کلاس با روش هایی مربوط است که معلمان به مدد آنها رفتار اجتماعی مثبت و مناسب دانش آموزان را بهبود می بخشند و رفتارهای مخرب آنها را مورد بررسی قرار می دهند (امینی، ۱۳۷۷، ص ۳۷).

برقراری انضباط یا نظارت بر رفتارهای اجتماعی در کلاس

در مفهوم کلی، انضباط روش‌های کنترل یک سازمان یا مجموعه است. برقراری نظم و انضباط در کلاس درس شاید از مهم‌ترین مسائل هر معلم باشد و هر معلم روش‌های متفاوتی برای موفقیت در این امر دارد. تحقیقات و شواهد نشان داده‌اند که روش‌های خشن اعم از تنبیه، محروم کردن دانش‌آموزان کلاس و ... نتایج آنی و شاید غیر موثر داشته‌اند. روش‌های انضباطی موثر آن است که در استفاده‌ی آن روش‌ها بتوان به نتایج مطلوب و مورد نظر دست یافت..

مدیریت کلاس

- مدیریت کلاس درس، طیف وسیعی از تکنیک‌ها و روش‌هایی است که برای تسهیل در آموزش، بالابردن مدت زمان یادگیری، ایجاد و تداوم فضایی دلپذیر و خوشایند در کلاس، ممانعت از رفتارهای نابسامان و خلل آفرین و حاکمیت نظم و انضباط در کلاس، به کار برده می‌شود. (ردستین، سایت حوزه).

سازماندهی و مدیریت کلاس درس

سازماندهی کلاس به نظم و ترتیب درسی و اجتماعی دانش‌آموزان در کلاس درس اشاره می‌کند. معلمان در کلاس‌ها با دانش‌آموزانی مواجهند که از لحاظ توانایی‌ها و میزان پیشرفت با یکدیگر مشابه یا کاملاً متفاوت‌اند.

اهمیت و تاثیر مدیریت کلاس درس بر کارایی معلم تأثیر مستقیمی دارد، تا آنجا که برای معلمان مبتدی و تازه کار زمان زیادی به این امر اختصاص می‌یابد. صرف چنین زمانی برای مدیریت و سازماندهی کلاس موجب کاهش زمان فعال برای یادگیری دانش‌آموزان می‌شود.

معلمان به منظور آنکه زمان غیر آموزشی در کلاس درس را به کمترین مقدار برسانند، باید درس را در وقت مقرر شروع و تمام کنند. وقفه‌های بین فعالیت‌های کلاس را به کمترین حد برسانند، قواعد و قوانین معنا دار و کار آمدی را تدوین و اجرا کنند و کلاس را چنان نظم بخشند که رفتارهای مخرب شاگردان را هر چه بیشتر کاهش دهند. یک معلم زمانی در مدیریت کلاس موفق می‌شود که نه تنها به گونه‌ای موفقیت آمیز در مقابل مشکلات رفتاری دانش‌آموزان واکنش نشان دهد، بلکه در پیشگیری از بروز مشکلات توانا باشد.

شیوه‌های مدیریت کلاس

معلمان بر رفتار اجتماعی و یادگیری دانش‌آموزان نیز از طریق انتخاب فعالیت‌ها و نحوه‌ی سازمان دادن برای انجام فعالیت‌ها نظارت دارند معلمان از دو نوع نظارت بهره می‌جویند:

۱- نظارت بر کلاس از راه فعالیت‌های آموزشی

۲- نظارت بر رفتار اجتماعی در کلاس (برقراری انضباط)

اغلب این دو نظارت از هم جدایی ناپذیرند، اما معلمان می‌توانند با هر نوع فعالیت آموزشی و یادگیری نوعی نظارت را بر دانش‌آموزان اعمال کنند.

شیوه‌های نظارت بر کلاس از راه فعالیت‌های آموزشی

۱- تلاش در اجتماعی کردن دانش‌آموزان با توصیه برخی نقش‌های آنان و منع برخی دیگر.

۲- سازمان دادن به فعالیت‌های گروهی دانش‌آموزان مانند ابراز عقیده و دفاع از آن، پیگیری یک بحث و حل مسأله و...

۳- تعیین فعالیت‌ها با وقت معین و محدود.

۴- وادار ساختن دانش‌آموزان به یادداشت برداری، تهیه کار برگ با نتایج مشخص و قابل پیش بینی.

۵- درباره‌ی نتایج کارها، اطلاعات تمام را در اختیار دانش‌آموزان قرار دادن.

۶- اگر معلم متوجه شود که کلاس او در حال شلوغ شدن است باید مکث کند، خیره شود، به آرامی صحبت کند و نوع فعالیت‌ها را تغییر دهد. (رؤوف، ۱۳۷۳، ص ۱۷۰).

۷- در کلاس که نظم و انضباط سالم برقرار است معلم دستور نمی‌دهد، بلکه رفتارهای ناپسند دانش‌آموزان را از طریق فرایند حل مسأله هدایت و اصلاح می‌کند.

برقراری انضباط یا نظارت بر رفتارهای اجتماعی در کلاس

در مفهوم کلی، انضباط روش‌های کنترل یک سازمان یا مجموعه است. برقراری نظم و انضباط در کلاس درس شاید از مهم‌ترین مسائل هر معلم باشد و هر معلم روش‌های متفاوتی برای موفقیت در این امر دارد. تحقیقات و شواهد نشان داده‌اند که روش‌های خشن اعم از تنبیه، محروم کردن دانش‌آموزان کلاس و ... نتایج آنی و شاید غیر موثر داشته‌اند. روش‌های انضباطی موثر آن است که در استفاده‌ی آن روش‌ها بتوان به نتایج مطلوب و مورد نظر دست یافت.

در ادامه چندین روش مناسب انضباطی بر شمرده می‌شود:

۱- اعمال روش‌های انضباطی در محیطی دور از ترس و ارباب: در این روش حرمت انسانی افراد حفظ شده و آنها مقاومت کمتری در برابر این روش‌ها خواهند داشت.

۲- چشم پوشی از مسائل جزئی و امور کوچک: مدیر، مربی یا معلم باید از بین مشکلات، مسائل عمده و اصلی را برگزینند و نسبت به همه‌ی مسائل حساسیت نشان ندهد.

۳- رعایت انضباط شخصی: فردی که می‌خواهد اقدام به برقراری انضباط در یک محیط بکند، باید در ابتدا در رعایت انضباط شخصی موفق باشد. معلم منضبط نه تنها اسوه خواهد بود، بلکه خود با مشکلات انضباطی به طور ملموس درگیر و سطح توقعات خود را در سطح توانمندی‌های دانش‌آموزان قرار خواهد داد.

۴- تکریم شخصیت افراد: از آنجا که عزت نفس بالاتر منجر به ایجاد رفتار اجتماعی مناسب‌تر می‌شود و چون ایجاد عزت نفس با پذیرش بی قید و شرط افراد و رفتار توأم با محبت و احترام و صمیمیت مرتبط است، برای آنکه افراد خودشان و با یک انگیزه‌ی درونی تمایل به رعایت و پذیرش قوانین را داشته باشند، باید شخصیت آنها را گرامی داشت و به عنوان یک انسان برایشان ارزش قائل بود. (اکرمی، ۱۳۸۰، ص ۶۰).

۵- تنبیه رفتارهای نامطلوب: گاهی در بعضی شرایط استفاده از شیوه تنبیهی به عنوان یک روش انضباطی اجتناب ناپذیر است، اما در این شرایط باید حتی الامکان روش‌هایی نظیر حذف شرایط مثبت و توبیخ ملایم کلامی و مورد استفاده قرار گیرد. تنبیه به طور غیر مستقیم نوعی تشویق افراد وظیفه شناس و منضبط است.

۶- استفاده از شیوه‌های تدریس جذاب و مفهیم جالب و مفید در کلاس: کارهای یکنواخت، موضوعات درسی نامربوط و قدیمی و روش‌های تدریس ملال‌آور عاملی است در خستگی دانش‌آموزان از کلاس درس که این امر به فعالیت‌های غیر مفید منجر می‌شود. با استفاده از روش‌های جذاب و مفید در درس ضمن یادگیری موثر و ثمربخش کلاس منضبط و پرشور خواهد شد.

۷- آگاهی دانش‌آموزان از انتظارات معلم: معلمان باید اطمینان حاصل کنند که دانش‌آموزانشان روش کار آنها را می‌دانند و آنها را می‌فهمند. هرگز دو معلم با انتظارات و توقعات یکسان پیدا نمی‌شود. انتظارات متفاوت و ارائه‌ی روش‌های کار ناهماهنگ، دانش‌آموزان را با مشکلاتی مواجه می‌کند

۸- آگاهی معلمان از اوقاتی که مشکلات دانش‌آموزان افزایش می‌یابد: معلمان باید بدانند که چه زمانی مشکلات دانش‌آموزان افزایش می‌یابد و اعمال غیر عادی انجام می‌دهند. مثلاً هنگام ورود به کلاس، هنگام خاتمه‌ی درس، در زمین بازی، وسط هفته یا در آخر هفته و با اطلاع از این اوقات معلمان می‌توانند روش‌ها و عکس‌العمل‌های مناسب با آن را داشته باشند.

سبک‌های مدیریت در کلاس

سبک معلم، مجموعه‌ای از رفتارها و دیدگاه‌هایی است که وی برای به وجود آمدن بهترین وضعیت ممکن برای انجام آموزش به کار می‌گیرد. نقش اولیه معلم هنگام انجام فعالیت آموزشی، نقش مدیریتی است.

معلم موفق کسی است که می‌تواند یک موقعیت را ارزیابی نموده، با آگاهی نسبت به اهداف آموزشی و شرایط محیطی، عاطفی و متفاوت سبک‌های مناسب را در کلاس تجربه کند و با بهره‌گیری از تجارب خود بهترین و مناسب‌ترین سبک را با توجه به هدف‌ها و انتظارات برگزیند. در این راستا، سبک‌های مدیریتی زیر مورد توجه قرار می‌گیرد:

۱- سبک مدیریت مقتدرانه - استبدادی

معلمی که در مدیریت کلاس خود از سبک مقتدرانه - استبدادی استفاده می‌کند، دانش‌آموزان را بسیار محدود و کنترل می‌کند. دانش‌آموزان غالباً در تمام مدت آموزش در صندلی‌های خود می‌نشینند. میزها و صندلی‌ها معمولاً در یک ردیف به صورت سنتی چیده شده‌اند و هیچ انحرافی در چیدن میزها وجود ندارد. این معلم به ندرت اجازه خارج شدن از کلاس را به دانش‌آموزان می‌دهد و هیچ عذری را برای غیبت نمی‌پذیرد. غالباً کلاس او آرام است. دانش‌آموزان می‌دانند که نباید مزاحم معلم شوند. آنان نباید هیچ صحبت و یا بحثی در کلاس داشته باشند. دانش‌آموزان معلم مقتدر فرصتی برای یادگیری تا تمرین مهارت‌های ارتباطی ندارند. این معلم انضباط سخت را ترجیح می‌دهد و انتظار اطاعت محض دارد. ایستادن در برابر این معلم، منجر به نگهداری دانش‌آموز در مدرسه یا ارجاع موضوع به دفتر مدیر مدرسه می‌شود، در این کلاس دانش‌آموزان دستورالعمل‌ها را مستقیماً دریافت می‌کنند و حق هیچ گونه سوالی ندارند.

در نهایت، هیچ گونه نشانی که این معلم مقتدر- مستبد از دانش‌آموزانش حمایت کند وجود ندارد.

دانش‌آموزان چنین معلمی به ندرت تشویق می‌شوند یا جایزه می‌گیرند. هم چنین او هیچ کوششی برای سازماندهی فعالیت‌های آموزشی در کلاس انجام نمی‌دهد و این احساس را دارد که موارد ذکر شده مانع یادگیری دانش‌آموز می‌شود. وی اعتقاد دارد که دانش‌آموزان باید فقط به سخنرانی او برای کسب اطلاعات ضروری گوش دهند. احتمالاً دانش‌آموزان کلاس او از شروع فعالیت بیزارند، برای این که آنها احساس ضعف می‌کنند و اعتماد به نفس لازم را ندارند. این معلم به دانش‌آموزانش می‌گوید چه کار کنند و چه وقت کار کنند. او خود تمام تصمیمات کلاس را می‌گیرد. بنابراین سبک مدیریت او به ندرت باعث پیشرفت انگیزه یا تنظیم اهداف مشخصی می‌شود.

۲- سبک مدیریت اقتدار گرایانه - مشاوره‌ای

معلم سبک مستبد - مشاوره‌ای محدودیت‌ها و کنترل‌هایی برای دانش‌آموزان وضع نموده، اما هم زمان استقلال فردی را تشویق می‌کند. این معلم اغلب دلایل وضع قوانین و تصمیمات را توضیح می‌دهد. اگر دانش‌آموزی مزاحم کلاس است، مؤدبانه، اما سخت و محکم، او را سرزنش می‌کند. این معلم بعضی اوقات قوانین انضباطی خارج از کلاس را وضع

می‌کند. معلم اقتدارگر، مشاوره‌ای هم چنین شرایطی برای تعامل زبانی بین دانش‌آموزان، نظیر بحث‌های انتقادی را فراهم می‌کند. دانش‌آموزان می‌دانند که می‌توانند هنگام تدریس معلم از او سؤال کنند. این محیط فرصت‌هایی برای یادگیری مهارت‌های اجتماعی فراهم می‌آورد. معلم در این سبک، نگرش مثبتی درباره دانش‌آموزان، شرح علایق و احساسات آنها دارد. کلاس او با تشویق و جایزه توأم است. او غالباً روی تکالیف دانش‌آموزان توصیه‌هایی می‌نویسد و باز خورد مثبت به دانش‌آموزان می‌دهد. این معلم اقتدارگرا، اعتماد به نفس شایسته اجتماعی را تشویق می‌کند و انگیزه پیشرفت سطح بالا را پرورش می‌دهد. غالباً او دانش‌آموزان را از طریق پروژه‌ای هدایت می‌کند. دانش‌آموزان درباره چنین معلمی می‌گویند: «این معلم را دوست داریم، او منصف است و می‌فهمد که دانش‌آموزان نمی‌توانند بی نقص باشند. او معلمی است که شما می‌توانید بدون هیچ گونه خجالتی مسائل و مشکلات را با او در میان بگذارید».

۳- سبک مدیریت آزاد منشانه

معلم آزادنش کنترل و محدودیت کمی بر دانش‌آموزان دارد. او تلاش می‌کند به احساسات دانش‌آموزان آسیبی نرساند و در گفتن نه یا تحمیل قوانین به دانش‌آموزان مشکل دارد. اگر دانش‌آموزی مزاحم کلاس می‌شود، ممکن است فرض کند که او توجه کافی به دانش‌آموز نداشته است و وقتی دانش‌آموزی حرف او را قطع می‌کند، او بر این باور است که دانش‌آموز مطمئناً چیز با ارزشی برای گفتن در کلاس دارد. چنین معلمی انضباط پیشنهادی را می‌پذیرد، با دانش‌آموزان سر و کله می‌زند و خیلی مراقب آنهاست. او بیشتر متوجه احساسات دانش‌آموزان است تا اینکه آنها را کنترل کند. بعضی اوقات تصمیم‌گیری‌های کلاسی‌اش را بیشتر بر اساس احساسات دانش‌آموزان تنظیم می‌کند تا بر مسائل آموزشی. او می‌خواهد دوست دانش‌آموزان خود باشد. او حتی ممکن است روابط خارج از کلاس را تشویق کند. او یک مشکل زمانی برای تنظیم مرز میان زندگی حرفه‌ای و زندگی خصوصی دارد. به هر حال، این آزادی بیش از حد در کلاس، به مهارت و شایستگی اجتماعی و کنترل شخصی می‌انجامد.

یادگیری مهارت‌های اجتماعی برای دانش‌آموزانی که معلم آنان خیلی آمرانه عمل می‌کند، بسیار مشکل است. دانش‌آموزان غالباً این نوع معلم را دوست دارند. یک دانش‌آموز مدرسه راهنمایی درباره این معلم می‌گوید: «این معلم محبوب همه است، دانش‌آموزان مجبور نیستند همواره در کلاس جدی باشند. بعضی اوقات اوضاع از کنترل خارج می‌شود و ما اصلاً چیزی یاد نمی‌گیریم».

۴- سبک مدیریت بی تفاوت

معلم بی تفاوت خیلی درگیر کلاس نمی‌شود. این معلم تقاضای کمی دارد و به کلاس‌هایش علاقه‌ای نشان نمی‌دهد. معلم بی تفاوت نمی‌خواهد بر دانش‌آموزان نفوذ داشته باشد. به این ترتیب، او احساس می‌کند که آمادگی کلاس ارزش تلاش و کوشش را ندارد. او اغلب از همان مواد آموزشی سال‌های قبل استفاده می‌کند.

هم چنین نظم و انضباط کمی در کلاس چنین معلمی وجود دارد. این معلم ممکن است فاقد مهارت‌ها و شایستگی‌های لازم باشد. دانش‌آموزان نگرش‌های معلم بی تفاوت را احساس و درک می‌کنند.

در کلاس چنین معلمی یادگیری خیلی کم صورت می‌گیرد. هر کس در کلاس حرکت و زمان را تلف می‌کند. در یک چنین محیطی دانش‌آموزان فرصت خیلی کمی برای مشاهده یا تمرین مهارت‌های اجتماعی دارند. با توجه به انتظارات کمی که از آنها می‌رود، نظم و انضباط در چنین کلاسی خیلی کم است. دانش‌آموزان انگیزه اندکی برای پیشرفت دارند و از نظر کنترل شخصی کمبود دارند.

دانش‌آموزی درباره کلاس چنین اذعان می‌کند: «این معلم نمی‌تواند کلاس را کنترل کند و ما هیچ وقت چیزی در آن جا یاد نمی‌گیریم. تکالیف سختی در کلاس گفته می‌شود و افراد به ندرت کتاب‌هایشان را همراه می‌آورند».

چنین معلمی هر سال از طرح درس های مشابه و یکسان برای همه درس ها استفاده می کند. هیچ وقت زحمت به روز کردن آنها را به خود نمی دهد. برای او روزها مثل هم هستند. هنگام تدریس، نخست بیست دقیقه از وقت کلاس را به روش سخنرانی اختصاص می دهد. بعضی اوقات او می خواهد فیلم یا اسلاید نشان دهد وقتی این کار را می کند، آنرا جانشین سخنرانی خود نماید. اگر زمانی باقی مانده باشد، به دانش آموزان اجازه می دهد به آرامی مطالعه و با یکدیگر صحبت کنند. آنان در دسری برای او ایجاد نمی کنند و به ندرت متوجه می شود که مسؤول تعلیم و تربیت دانش آموزان است.

ارتباط معلم با دانش آموز

نقش دانش آموز در برقراری ارتباط با معلم

وقتی دانش آموز نمی داند چگونه از معلم خود تقاضایی کند و یا عقیده متفاوتی را با او در میان بگذارد، به این نتیجه می رسد که نمی تواند با معلم خود ارتباط برقرار کند و بنابراین ناسازگاری و پرخاشگری می کند و یا ارتباط خود با معلم و کلاس را به طور کلی قطع می کند. اما وقتی همان دانش آموز یاد بگیرد که چگونه با معلمش ارتباط برقرار کند، روند کار کلاس شیرین و جذاب می شود و معلم و شاگرد هر دو در کنار هم، نه در مقابل هم به سوی هدف پیش می روند. وقتی ارتباط صمیمانه باعث درک متقابل بین معلم و شاگرد می شود، آن وقت است که می توان امیدوار بود که استعداد همه دانش آموزان شکوفا شود. لذا دانش آموزان باید سعی کنند در برقراری ارتباط با معلم موفق شوند. در این زمینه راهکارهایی نیز می تواند ثمر بخش باشد:

- هرگز دانش آموز با معلم به گونه ای صحبت نکند که معلم حس کند می خواهد او را راهنمایی کند. چرا که این کار این معنی را به ذهن معلم تداعی می کند که نمی داند چه باید بکند.
- دانش آموز درخواست ها را با جملات مثبت و غیر دستوری بیان کند: مثلاً «استاد! نمی دانید وقتی عجله نمی کنید چه قدر ما خوشحال می شویم (برای وقتی که معلم با سرعت درس می دهد).
- اگر معلم در تدریس دچار اشتباه شد، بهتر است دانش آموز وقت دیگری به تذکر دادن بپردازد.
- همکاری دانش آموز با معلم در روند آموزش از قبیل کنفراس، شرکت در بحث های گروهی و می تواند رابطه معلم و دانش آموز را مطلوب و نزدیک گرداند.
- معلم زمانی که احساس کند مورد نیاز دانش آموز است، انگیزه بهتری پیدا می کند و دانش آموزان باید به معلم نشان دهند که چقدر به او نیاز دارند و برای او احترام قائل هستند.
- دانش آموز باید به معلم بفهماند که چقدر علاقه دارد که یاد بگیرد و به دانش معلم نیاز دارد چرا که معلم (در زمینه درس خود) اطلاعاتی بیشتر از دانش آموز دارد (صالح. ۱۳۷۹. ص ۱۴۵).

مهارت های ارتباط با دانش آموز

آموزش بدون ایجاد رابطه معنایی نخواهد داشت. معلمان در همان آغاز کار خود پی می برند که نحوه برقراری ارتباط با دانش آموزان بسیار اهمیت دارد. توصیه می شود که معلمان به تأثیر نوع ارتباط خود بر شکل گیری گرایش های انگیزشی دانش آموزان توجه کنند. به عنوان مثال: اگر محبت در کلاس شکل یک مسؤولیت اجتماعی به خود گیرد، دانش آموزان به یکدیگر کمک می کنند و مواظب یکدیگر هستند.

گلاسز عقیده دارد بدون شکوفایی محبت و ارزش وجود، تشکیل یک هویت موفق نا ممکن است (بهرنگی، ۱۳۷۰، ص ۲۹۲). بنابراین مهارت‌های ارتباط با دانش‌آموز، از مهم‌ترین مهارت‌های مورد نیاز یک معلم کارآمد می‌باشد.

در ادامه راهکارهایی در ایجاد ارتباط با دانش‌آموز بیان می‌شود (نائینیان، ۱۳۷۹، صص ۶۵-۶۰)

۱- ایجاد روابط مثبت با دانش‌آموز

اولین هدف معلم باید برقراری رابطه مطلوب، دوستانه و حمایت کننده با دانش‌آموزان باشد. چنین هدفی فقط با تعادل میان معلم و دانش‌آموز حاصل می‌آید. طبق نظریه اندیشمندان، باید معلم در روز اول به دانش‌آموزان نشان دهد که به آنها علاقه دارد و می‌تواند به او اعتماد کنند. چون هر برخوردی با دانش‌آموز در تصور آنها نسبت با معلم مؤثر است، لذا معلم باید همه اوقات برای ایجاد رابطه مثبت تلاش کند.

۲- اجتناب از تنبیه شدید و مکرر

معلمی که رابطه خوبی با دانش‌آموز دارد هرگز برای آموزش به تنبیه اتکا نمی‌کند، تنبیه شیوه‌ای است که در نزد اندیشمندان علوم تربیتی مورد تأیید نیست، بلکه به استفاده از جایگزین برای تنبیه و یا روش‌های غیر تنبیهی سفارش می‌شود. یکی از راه‌های تنبیه خفیف، استفاده صحیح از روش محروم کردن است. مثلاً اگر دانش‌آموزی مزاحم دیگران است، می‌توان از او خواست که به آخر کلاس برود و دور از همکلاسی‌هایش بنشیند. بدین ترتیب دانش‌آموز از موقعیتی که رفتار ناپسندش را تقویت می‌کند، بیرون برده می‌شود.

۳- پرهیز از پیش داوری‌های غیر منصفانه

گاهی معلمان در بعضی از زمینه‌ها پیش‌داوری می‌کنند. برای پرهیز از این گونه موارد، معلم باید صادقانه به آنچه باور دارد اعتراف کند و تلاش کند در بین دانش‌آموزان خود تفاوت قائل نشود. بدیهی است که معلم نیز باید روش‌های آموزشی و رفتاری خود را متناسب با نیازهای متفاوت دانش‌آموزان سازگار نماید.

۴- ابراز علاقه و توجه به دانش‌آموزان

برای اثر بخشی امر آموزش و برقراری ارتباط مناسب بین دانش‌آموزان، معلم باید نشان دهد که به آنها علاقه و توجه دارد و از فعالیت با ایشان لذت می‌برد، معلم می‌تواند با حضور در فعالیت‌های فوق برنامه تحصیلی دانش‌آموزان علاقه خود را به آنها نشان دهد، با این کار دانش‌آموزان بدون در نظر گرفتن توانایی‌ها و یا شکست‌هایشان در امر تحصیل مورد احترام و توجه قرار می‌گیرند.

۵- ثبات داشتن و بخشنده بودن

معلمانی که در رفتارشان آرامش دارند، در رابطه خود با دانش‌آموزان بسیار موفق هستند. دانش‌آموزان معلمی را می‌خواهند که رفتارشان پایدار و قابل پیش بینی باشد. حتی دانش‌آموزانی که در روز قبل مشکلی در کلاس ایجاد کرده اند، باید بتوانند روز بعد به راحتی به سر کلاس بیایند.

۶- داشتن انتظارهای بالا و ممکن

معلمی که می‌خواهد با دانش‌آموزان رابطه‌ای مثبت و سازنده داشته باشد، باید اعتقاد به قابلیت‌ها را در آنها پرورش دهد. واکذار کردن فعالیت‌های نسبتاً دشوار به دانش‌آموزان، واکذار کردن کارهایی که احتمال شکست در آنها کم است و... از راه‌هایی است که قابلیت‌های بالای دانش‌آموزان را نسبت به خودشان القا می‌کند.

چگونگی روابط میان معلم با دانش‌آموزان

افزایش روابط غیر مشروط میان معلم و دانش‌آموز

توجه به راهبردهای غیر درسی از این نظر اهمیت دارد که به معلم اجازه می‌دهد تا محبت و احترام خود را نسبت به دانش‌آموزان از توانایی و عملکرد تحصیلی آن‌ها جدا کند. اگر همه روابط در زمینه تحصیلی دور بزند دانش‌آموزان کارآمدتر نسبت به همکلاسی‌های خود در ایجاد رابطه‌ای مفید با معلم از فرصت‌های بیشتری برخوردار خواهند بود. در حالی که همه‌ی دانش‌آموزان نیاز دارند تا مورد احترام و علاقه‌ی معلمشان قرار بگیرند حتی اگر رفتار و نگرش‌های آن‌ها همیشه مورد تایید معلم نباشد. در واقع دانش‌آموزانی که در مدرسه عملکرد ضعیفی دارند نسبت به همکلاسی‌های خود به داشتن رابطه‌ی مثبت با معلم بیشتر نیازمندند در ایجاد رابطه‌ای مطلوب و مفید با دانش‌آموزان، معلم با تاکید بر موقعیت‌های غیر تحصیلی می‌تواند توجه و احترام خود را به طور مساوی میان دانش‌آموزان تقسیم کند. دستیابی به موقعیت برای برقراری رابطه با دانش‌آموزانی که دشواری‌های تحصیلی و رفتاری دارند شاید دشوار باشد من می‌توانم یک خاطره‌ی ناخوشایندی درباره‌ی یک نوجوان تازه وارد به دبیرستان به یاد آورم که طی ده ثانیه‌ی اول ورود خود به کلاس ایجاد اختلال می‌کرد اما مشکل این بود که این نوجوان به راحتی چنین لحظاتی را در اختیار نمی‌گذاشت بنابراین تصمیم گرفتم هر روز قبل از ورود به کلاس کنار در بایستم و با جمله‌های کوتاه و خوشایند به دانش‌آموزان بتوانم قبل از این که نوجوان مزبور فرصت یابد تا اختلالی ایجاد کند تعامل مثبتی را با او داشته باشم. در واقع معلمان نباید همواره در انتظار فرصت‌های تصادفی باشند بلکه خود نیز باید ابتکار به خرج دهند و چنین فرصت‌هایی را ایجاد کنند به ویژه این امر برای دانش‌آموزانی لازم است که در حالت معمول کمتر قادرند تا تحسین معلم را متوجه خود کنند. تصریح می‌گردد که هدف معلم باید ایجاد رابطه‌ای غیر مشروط با دانش‌آموز باشد. بر عکس اندیشه بسیاری کسان، دانش‌آموزان نباید در جستجوی کسب احترام از معلم باشند، بلکه معلم تعهد حرفه‌ای دارد، که بدون در نظر گرفتن عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان با همه‌ی آن‌ها رفتار خوبی داشته باشد. البته مقصود این نیست که معلم باید رفتار‌های نامناسب را در نظر نگیرد، بلکه هدف آن است که رفتار نامناسب دانش‌آموز نباید باعث قطع روابط محبت‌آمیز و حاکی از اعتماد میان دانش‌آموز و معلم گردد. مانند والدین که حتی اگر فرزندانشان خطایی مرتکب شوند، باز هم محبت آنها را در دل خواهند داشت.

اجتناب از تحسین و تمجید افراطی

شاید یکی از شایع‌ترین عقاید در حرفه معلمی مربوط به نتایج مثبت تحسین و تمجید باشد. دانش‌آموزان در ازای کارهای زیادی مانند درست نشستن در کلاس، پاسخ صحیح به پرسش‌ها و غیره مورد تحسین قرار می‌گیرند، اما اثر تمجید و تحسین، آن‌چنان که از استفاده گسترده آن برداشت می‌شود، ساده و مستقیم نیست. معلمانی که بیش از اندازه از تعریف و تمجید استفاده می‌کنند، دانش‌آموزان را به وابستگی به خود تشویق می‌کنند و در واقع به آنها القا می‌کنند که تنها هنگامی که در کارشان موفق هستند که معلم از آنها تمجید کرده باشد. تغییر چنین الگویی ممکن است برای معلمان مشکل باشد، زیرا سالهاست که روشی معمول در مدارس است، اما با این حال می‌توان به کمک نمادهای غیر کلامی این عادت را تغییر داد. یکی از راهبردها برای معلمانی که می‌خواهند به هنگام باز خورد دادن به دانش‌آموزان، میزان تحسین را کاهش دهند، استفاده از نماد غیر کلامی است. یک نماد خنثی مانند کار تو عالی است از معنای فرهنگی بر خوردار نیست. نماد می‌تواند هر گونه معنایی را که معلم بخواهد در بر داشته باشد. بنابراین اگر چند بار اول که معلم کار دانش‌آموز را علامت می‌گذارد به وی بگوید: کار تو عالی است. دانش‌آموز می‌آموزد که علامت گذاری را به عنوان نمادی از تحسین کلی تعبیر کند. اما اگر معلم پس از چند بار علامت گذاری بگوید: این حروف به ما کمک می‌

کند تا به خاطر آوریم که شما امروز تکلیفت را در وقت معین انجام داده ای ، دانش آموز آن را به عنوان روش ثبت سابقه نسبت به موفقیت های تحصیلی خود خواهد داشت . در واقع هدف آن است که باز خورد اطلاعاتی به دانش آموز داده شود تا در شناسایی آن چه به خوبی انجام داده است و این که چه وقت و چگونه موفق بوده است ، به او کمک کند . معلم علاوه بر به کار گیری علایم با نماد های غیر کلامی می تواند فقط بخشهای موفق از عملکرد دانش آموزان را مورد تحسین قرار دهد . برای مثال ، به جای این که روی نقاشی دانش آموز بنویسد : کارت خوب است ، می تواند بنویسد : با استفاده از سایه روشن که به نقاشی ات عمق بخشیده کار جالبی انجام داده ای . یا به جای آن که در بالای صفحه محاسبات ریاضی بنویسد : خیلی پیشرفت داشته ای ، می تواند بنویسد : دفعه گذشته در ضربهای ۷ ضرب در ۶ و ۷ ضرب در ۸ اشکال داشتی ، اما حالا دیگر مشکلی نداری و بر ضرب این اعداد تسلط پیدا کرده ای . بدیهی است که این عبارات نیز تحسین آموزند ، اما تحسین مزبور بیشتر به آن چیزی متوجه است ، که دانش آموز آن را به خوبی انجام داده است ، نه این که تعریف و تمجید کلی از جانب معلم باشد .

شناساندن عوامل موفقیت و شکست

یکی از راه هایی که می توان به میزان وابستگی دانش آموزان پی برد این است که آن ها موفقیت های خود را به معلم نسبت می دهند برخی می گویند چون معلمشان خوب بوده است رتبه ی بالایی آورده اند و یا چون معلمشان به آن ها کمک کرده است در کارشان موفق بوده اند . برخی از دانش آموزان که موفقیت خود را به معلم نسبت نمی دهند خوش شانسی یا سادگی کار را دلیل موفقیت خود می دانند . آن چه در تمام این موارد مشترک است گرایش خارجی آن ها است. دانش آموزانی که موفقیت های خود را به چنین عواملی نسبت می دهند بر این باورند که علل موفقیت آن ها بیرون از خودشان است. از نظر انگیزشی اسناد خلاق یعنی ارزش دادن به خود و موثر دانستن توانایی و تلاش شخصی در موقعیت های تحصیلی. معلم از طریق ارزش دادن به دانش آموزان به خاطر عملکردهای مطلوب می تواند آن ها را در شناسایی عوامل اصلی موفقیت خود یاری کند. به طور مثال اگر دانش آموزی در بازی بسکتبال دو پرتاب موفق داشته باشد معلم می تواند به او بگوید تمرین هایی که دیروز انجام دادی در پرتاب های امروزت موثر بود. یا قوتی دانش آموز مقاله ی خوبی می نویسد به او بگوید حتماً وقت زیادی برای تهیه ی مقاله ات صرف کرده ای. جمله بندی ، نقطه گذاری و نکات دستوری آن بی نقص هستند. در این دو مثال موفقیت دانش آموزان به تلاش آن ها نسبت داده شده است همچنین می توان دانش آموزان را تشویق کرد تا موفقیت هایشان را به توانایی های خود نسبت دهند. برای مثال اگر دانش آموزی در موضوعی خاص دارای ادراک خوبی است باید توجه او را به توانایی اش جلب نمود. همان طور که لازم است به دانش آموزان کمک کرد تا موفقیت های خود را به توانایی خود نسبت دهند در مورد شکست های خود نیز باید چنین کنند دانش آموزان باید بیاموزند تا شکست هایشان را به عدم تلاش و نه عدم توانایی نسبت دهند. بنابراین اگر دانش آموزی در امتحان شکست خورد نباید شکست خود را انکار کند بلکه باید آن را بپذیرد اما لازم است آن را ناشی از عدم تلاش خود بداند. برای مثال شاید نیاز باشد که بیشتر مطالعه کند معلم باید هنگام صحبت پیرامون شکست دانش آموز بر آن چه که در کنترل فرد است و برای کسب موفقیت می تواند با آن برخورد کند تاکید نماید.

اجتناب از تنبیه شدید و مکرر

معلمانی که مایلند روابط خوبی با دانش آموزان داشته باشند ، یعنی رابطه ای که موجب افزایش انگیزش تحصیلی آن ها شود ، برای آموزش رفتار مناسب نباید بر تنبیه متکی باشند . اغلب تنبیه ها با هدفی فراتر از خجالت دادن و ناراحت کردن دانش آموزان در نظر گرفته می شوند . در گذشته دانش آموزان به دلیل بی توجهی به درس مورد تنبیه جسمی قرار می گرفتند و امروزه نیز با این که این گونه تنبیه ها کمتر رایج است ، اما بیشتر تنبیه ها به نحوی برای آزردن دانش آموزان صورت می گیرد . برای مثال نوشتن ۵۰۰ مرتبه جمله (من ووسایلم را فراموش نمی کنم) و یا رفتن به مدرسه در روز های تعطیل و یا ایستادن در گوشه کلاس و یا ماندن در مدرسه بعد از تعطیل مدرسه ، همگی مواردی هستند که موجب آزردهی دانش آموزان می شود . معلمانی که چنین تنبیه هایی را مقرر می کنند ، انتظار دارند که به نتایج مطلوب

هم دست یا بند. برخی از معلمان که خود مایل به تنبیه دانش آموزان نیستند، از والدین کودک می خواهند تا آنها را به دلیل رفتار نامناسب در مدرسه، خود تنبیه کنند. در این موارد به طور معمول والدین محرومیت هایی را برای کودک خود ایجاد می کنند، که در نتیجه رابطه معلم و والدین با دانش آموز دچار اغتشاش می شود. اگر چه والدین باید از نحوه عملکرد فرزندان خود در مدرسه آگاه باشند، اما نباید از والدین خواست تا آنها را تنبیه کنند. روش بهتر آن است که کاری کنیم تا والدین با امر آموزش فرزند خود درگیر شوند. باید آنان را ترغیب کرد تا کودک را به دلیل انجام تکالیفش در منزل تشویق کنند. باید دانش آموز را به کتابخانه ببرند و به او کمک کنند تا کتاب های مربوط به یک تکلیف را بیابد و از راه های گوناگون او را برای به دست آوردن موفقیت های کوچک در مدرسه تشویق کنند. معلمانی که برای موفقیت درسی کودکان به این شکل از والدین استفاده می کنند، در یاری رساندن به دانش آموزان خود موفق تر هستند. بر عکس معلمان که همواره در انتظار شکست یا رفتار نامطلوب دانش آموز هستند، اغلب بیشتر باعث می شوند تا مشکلاتی به وجود آید. اگر چه به ظاهر شاید این طور به نظر آید که معلم نباید هرگز دانش آموزان را تنبیه کند، اما در واقع دوری کامل از راهبر های تنبیه شاید دشوار باشد. معلمان باید چگونگی استفاده از روش های انضباطی و تنبیه های خفیف را بیاموزند، البته به گونه ای که به روابط میان معلم و دانش آموز آسیبی نرساند. برای دوری کردن از عوارض زیانبار تنبیه، ابتدا باید خیلی کم از آن استفاده شود. معلمی که از تنبیه به عنوان اولین و تنها راهبرد برخورد با دانش آموزان استفاده می کند به انگیزش تحصیلی آن ها آسیب شدیدی می رساند. با این حال هنگامی که در کنار استفاده از روش های غیر تنبیهی، رفتار نامناسب دانش آموزان همچنان ادامه می یابد. در این صورت باید تنبیه جزئی باشد و فقط به عنوان هشدار از آن بهره گرفته شود. هدف آن است که دانش آموز در یابد از مرز رفتار مورد قبول فراتر رفته است و امکان دارد رفتار ناراحتی های جسمی و روانشناختی را برای دیگران باعث شود. در واقع تنبیه باید بیشتر از آن که واقعی باشد، نمادی باشد. یکی از راه های تنبیه خفیف، استفاده صحیح از روش محروم کردن است. به طور مثال ف وقتی دانش آموزی با مدادش به پشت همشاکردی خود که در جلوی او نشسته است، می زند، معلم می تواند خیلی آرام به وی نزدیک شود و مدادش را بگیرد و به او بگوید: میتوانی مدادت را در آخر وقت کلاس از من بگیری. به این طریق وی را از وسیله ای محروم کرده ایم، که با آن دوستش را اذیت می کرده است. همین طور اگر دانش آموزی مزاحم دیگران است، می توان از او خواست تا به آخر کلاس برود و دور از دانش آموزان بنشیند. البته باید وی را چنان در این مسیر هدایت کرد، تا دیگران متوجه نشوند. به ایت ترتیب دانش آموز از موقعیتی که رفتار نامناسبش را تقویت می کند بیرون برده می شود. به طور معمول لازم است تا دانش آموز چند دقیقه ای در محل جدید باشد تا در مورد رفتار مزبور بیندیشد. بعد به طوری که دیگران متوجه نشوند، می توان به دانش آموز نزدیک شد و به آرامی از او پرسید: فکر می کنی چرا از تو خواستم در این جا بنشینی؟ معلم باید منتظر می شود تا پاسخی مناسب بشنود. سپس وی را با مهربانی به جای خود باز می گرداند. لازم است گفته شود که در این روش منظور این نیست که دانش آموز به خاطر از دست دادن چیز با ارزشی احساس ناخوشایندی پیدا کند، بلکه منظور انتقال این موضوع به دانش آموز است که رفتارش از حد قابل قبول تجاوز کرده است و معلم اجازه نمی دهد تا چنین رفتاری ادامه یابد. گاهی لازم است تا دانش آموز را از کلاس بیرون فرستاد و این به هنگامی است که او از رفتن به آخر کلاس خودداری می کند. اگر چنین دانش آموزی از کلاس هم بیرون نرود، باید از ناظم مدرسه خواست تا او را از کلاس بیرون ببرد. اما در این حالت نیز نباید دانش آموز را با این قصد بیرون فرستاد که مورد بازداشت قرار گرفته است. یا کاری اضافی را باید انجام دهد. بلکه دانش آموز باید به دفتر مدرسه برود و در جایی به آرامی بنشیند و لازم است تا فردی بزرگسال هم نزد وی باشد. اما نباید دانش آموز دیگری همراه وی باشد. بعد از ۱۰ تا ۱۵ دقیقه، مدیر یا مشاور مدرسه باید از او بپرسد چرا به دفتر فرستاده شده است؟ اگر بتواند علت آن را توضیح دهد، باید خیلی ساده به کلاس برگردد. البته بیرون کردن دانش آموز از کلاس باید هنگامی صورت گیرد، که دیگر تلاش ها با شکست مواجه شده است. دور از انتظار نیست که اغلب معلمان در به کار گیری این روش تنبیهی با مشکل مواجه می شوند و تعداد اندکی نیز از آن استفاده می کنند. بر عکس اشکال سنتی تنبیه مثل بازداشت، تعلیق و تکلیف اضافی به طور عمده در نظام آموزشی مورد استفاده قرار می گیرد. با این حال اگر این روش های تنبیهی موفق بودند، رفتار های نامطلوب باید کاهش می یافتند. در حالی که مشاهده می شود، که چنین نیست و بی علاقهگی دانش آموزان همواره افزایش می یابد. گزارش های مدیران، معلمان، دانش آموزان و والدین این امر را تایید



می کند . به طور کلی دانش آموزانی که اغلب به شدت مورد تنبیه قرار می گیرند به دو صورت پاسخ می دهند . اول آن که آنها می آموزند که دیگر انسان ها را می توان از طریق تهدید و ازار و اذیت کنترل کرد و در نتیجه رفتارهای پخشگرانه در مدارس افزایش می یابد ، و یا شیوه تسلیم و اطاعت را پیش می گیرند . که این امر موجب بی علاقه‌گی آنها نسبت به فعالیت های تحصیلی بر می گردد . بنابراین پیام آن است که هر چه معلم کمتر از تنبیه استفاده کند بهتر است . در موارد نادر هم که تنبیه جزئی ضرورت می یابد ، معلم می باید تلاش کند تا عصبانی نشود . مردم اغلب به هنگام عصبانیت به دیگران پرخاش می کنند . برخی از معلمان نیز ممکن است دانش آموزان را مورد توهین ، تهدید و تحقیر قرار دهند . چنین مواردی حتی می تواند بیش از تنبیه های جسمانی موجب ناراحتی دانش آموزان گردد . معلمانی که می توانند در لحظه های بحرانی بر خود مسلط باشند ، قادرند با چنین موقعیت هایی سازگاری یابند ، به طوری که روابط آنها با دانش آموزان دچار اختلال نشود . اما بسیار اتفاق می افتد که حتی آرام ترین و منطقی ترین معلمان هم به طور نا خواسته دانش آموزی را مورد توهین و تحقیر قرار می دهند . در این موارد یک پوزش ساده از جانب معلم می تواند نتیجه خوبی داشته باشد و حتی روابط فیما بین را بهتر کند . من خود به خاطر می آورم که یک بار به یکی از دانش آموزانم پرخاش کردم و به او گفتم : بر گرد و خفه شو . دانش آموزان همگی بسیار تعجب کردند ، چون تاکنون چنین رفتاری را از من مشاهده نکرده بودند . چند دقیقه بعد هنگامی که آرام گرفتم و آن دانش آموز به آرامی مشغول انجام تکالیفش بود ، به نزد وی رفتم و از او پوزش خواستم و گفتم : از آن چه اتفاق افتاد متاسفم ، من سعی می کنم با هیچکس این گونه صحبت نکنم . حدس می زنم که آن وقت از این که شما به درس توجه نداشتید ، ناراحت شدم . هنگامی که معلم با دانش آموزان خود این گونه رفتار کند و مسئولیت رفتار نا مناسب خود را بپذیرد ، آنها نیز نه تنها تنبیه ها را فراموش می کنند ، بلکه به اشتباهات خود هم پی می برند .

اجتناب از شوخی

روش دیگر برای ایجاد رابطه مطلوب با دانش آموزان اجتناب از شوخی های زاید است . برخی از معلمان در بر خورد با دانش آموزان بدرفتار از عبارات تمسخر آمیز استفاده می کنند . دانش آموزان در این موارد احساس می کنند که مورد تنبیه واقع شده اند . البته فرق نمی کند که این گونه شوخی ها برای آزردن و کنترل باشد و با ظاهری دوستانه داشته باشد . به ویژه این که کودکان و نوجوانان به طور معمول قادر به ادراک شوخیهای افراد بزرگسال نیستند و امکان دارد سخنان محبت آمیز آنان را تمسخر تلقی کنند . البته منظور این نیست ، که در کلاس هیچ مزاحی نباید صورت گیرد ، بلکه فقط نباید دانش آموزان مورد تمسخر قرار گیرند .

پرهیز از پیش داوری های غیر منصفانه

معلمان نیز همچون دیگر انسان ها در بعضی زمینه ها پیش داوری هایی کنند . مثلاً این که تفاوت های ذاتی میان زن و مرد وجود دارد و یا آن که آن کس که موقعیت اجتماعی بهتری دارد ، فرد برتری است و غیره ، که البته همه این پیش داوری ها زیانبار است و برای از بین بردن آنها باید تلاش کرد .

اولین گام برای پرهیز از این گونه موارد ، آن است که معلم باید صادقانه به آن چه باور دارد اعتراف کند . زیرا اگر آنها را انار کند ، نمی تواند دانش آموزان خود را از عواقب نا خوشایند آن دور دارد . پس از آن ، معلم باید تلاش کند تا بین دانش آموزان خود دیگر تفاوت نگذارد . برخی از دانش آموزان بیش از همکلاسیها به توجه معلم خود نیاز دارند . بدیهی است که معلم نیز باید روش های آموزشی و رفتاری خود را متناسب با نیاز های متفاوت دانش آموزان سازگار کند . روابط خصوصی معلم با برخی از دانش آموزان بسیار زیانبار است ، زیرا دیگر دانش آموزان آن را نوعی تبعیض می شمارند . این امکان باید برای همه دانش آموزان فراهم باشد ، اما به طور معمول معلمی که فرضاً به ورزش علاقمند است با دانش آموزان ورزش دوست بیشتر رابطه برقرار می کند و غیره . در حالی که معلم مسئولیت حرفه ای دارد که با همه

شاگردان چنین رفتاری داشته باشد. حتی اگر همه دانش آموزان به طور یکسان به معلم واکنش نشان ندهند، اما معلم باید این فرصت را در اختیار همه ایشان بگذارد.

ابراز علاقه و توجه به دانش آموزان

معلم باید بیش از آن چه از او انتظار می رود، به دانش آموزان کمک کند. البته لازم نیست تلاشی غیر عادی داشت بلکه فقط باید به دانش آموزان نشان داد که مزاحم نیستند و معلم از فعالیت با ایشان لذت می برد. برای مثال یک معلم دبیرستان به دانش آموزان خود گفت که روزهای بارانی موقع ناهار آن ها می توانند از اتاقش استفاده کنند. این معلم تا پایان سال تحصیلی به آن چه گفته بود عمل کرد. بسیاری از دانش آموزان اما نه همه ی آن ها دعوت او را برای صرف ناهار در اتاقی گرم پذیرفتند. حتی تعدادی از دانش آموزان کلاس های دیگر نیز به همراه دوستان خویش به آن جا می آمدند در حالی که دانش آموزان غذا می خوردند و همدیگر را ملاقات می کردند معلم نیز غذایی را می خورد و اوراق آن ها را تصحیح می کرد. البته منظور این نیست که معلم مجبور باشد به خاطر اسایش دانش آموزان خود را به درد سر اندازد بلکه او با این کار فقط علاقه ی واقعی خود را به آن ها نشان داده است. معلم دیگری با گروهی از دانش آموزان کار می کرد که به دلیل عملکرد ضعیف تحصیلی و رفتارهای پر خاشگرانه در شرف اخراج از مدرسه بودند. آن ها به طور معمول قلم و دفترچه ی خود را به همراه نمی آوردند. معلم برای این موضوع راهی یافت او با خود قلم هایی را به کلاس می آورد و آزادانه در اختیار هر کسی می گذاشت همچنین همیشه مقداری کاغذ سفید نیز با خود به کلاس می آورد. این اقدام تلاش کوچکی از جانب وی بود. مهمترین نکته این بود که معلم با در اختیار گذاشتن قلم و کاغذ نشان می داد که درباره ی موفقیت دانش آموزان خود حساسیت دارد و حاضر نیست دانش آموزی به خاطر نداشتن وسایل لازم از فعالیت تحصیلی باز بماند. یکی از روشهای دیگر برای آن که معلم علاقه ی خود را به دانش آموزان نشان دهد حضور در برنامه های فوق برنامه ی تحصیلی ایشان است. برای مثال معلم با شرکت در بازی های دانش آموزان به آن ها نشان می دهد که از بودن در جمع آن ها لذت می برد. بنابراین شرکت مستقیم در فعالیت ها و یا قبول وظیفه ی جانبی و تشویق دانش آموزان آن ها را متوجه علاقه ی معلم به فعالی های آن ها می کند. به علاوه معلم با صحبت پیرامون برنامه های آخر هفته، تعطیلات و طرح های آینده دانش آموزان می تواند علاقه ی خود را به آن ها نشان دهد. همچنین صحبت های اتفاقی معلم در راهروی مدرسه و یا زمین بازی و غیره با دانش آموزان نشان دهنده ی آن است که به آن ها علاقمند است. معلمانی که به جزئیات فردی دانش آموز توجه می کند باعث می شوند تا دانش آموز وی را علاقمند به خود بداند دانش آموزان باید بدون در نظر گرفتن توانایی ها و یا شکست ها ایشان در امور تحصیل مورد احترام و توجه واقعی قرار گیرند.

ثبات داشتن و بخشنده بودن

معلمانی که در رفتارشان آرامش دارند در رابطه ی خود با دانش آموزان بسیار موفق هستند. دانش آموزان معلمی می خواهند که رفتارشان پایدار و قابل پیش بینی باشد. معلمی که یک روز دوستانه و روزی دیگر رفتاری غیر دوستانه دارد موجب می شود تا دانش آموزان از در میان نهادن مشکلات خود با وی تردید داشته باشند. در واقع دانش آموزان نباید شاهد بی ثباتی در رفتار معلم خود باشند. حتی دانش آموزانی که در روز قبل مشکلی در کلاس ایجاد کرده اند باید بتوانند روز بعد به راحتی به سر کلاس بیایند. معلم باید با آن ها برخوردی دوستانه و محترمانه داشته باشد و بی نظمی های آن ها را نادیده بگیرد و به امور روز جاری بپردازد. در واقع معلمان باید بیاموزند که کینه ی خود را دور بریزند و همان طور که دوست دارند دیگران خطای آن ها را ببخشند آن ها نیز از خطاهای دانش آموزان چشم پوشی کنند.

داشتن انتظارهای بالا و ممکن

معلمی که خواهان رابطه ی مثبت و سازنده با دانش آموزان است باید اعتقاد به قابلیت ها را در آن ها پرورش دهد. راه های زیادی برای این منظور وجود دارد اول واگذاری کردن فعالی های نسبتاً دشوار به دانش آموزان است. با واگذار کردن کارهایی که احتمال شکست در آن ها اندک است و موجب افزایش توانایی های دانش آموزان می شود معلم اعتقاد خود را

نسبت به قابلیت های دانش آموزان به آن ها القا می کند. بر عکس کاری که بیش از اندازه سهل باشد مکن است سبب شود تا دانش آموزان فکر کنند معلم آن ها را در انجام کارهای واقعی ناتوان می داند. در حالی که واگذاری کارهای نسبتاً دشوار ممکن است نشانه ی اعتقاد معلم به قابلیت تحصیلی دانش آموزان باشد. اما چنان چه آن ها نتوانند در آن ها موفقیت کسب کنند ارزش چندانی نخواهند داشت بنابراین باید دقت کند کارهای خیلی دشوار را که چندان امید موفقیت در آن ها نمی رود و به دانش آموزان واگذار نکند که به این طریق احساس عدم صلاحیت در آن ها تقویت خواهد شد. استدلال آن ها چنین است که معلم تنها کاری را به من می دهد که باید قادر به انجام آن باشم و چون نمی توانم آن را انجام دهم پس توانایی کمتر از حد انتظار است. معلم باید در کنار فراهم آوردن کارهای نسبتاً دشوار از دانش آموزان برای فعالی های آموزشی حمایت کند. هدف در واقع فراهم کردن محیطی آموزشی است که دانش آموزان در آن بیشترین یادگیری را داشته باشند و نیز احساس توانمندی نمایند. (سرتیپی، ۱۴۹، ۱۳۸۰).

نقش رابطه معلم و دانش آموز در ایجاد انگیزه

یکی از چالشهای مهم موجود در آموزش ریاضی عدم برقراری ارتباط عاطفی مثبت بین معلمان این درس و دانش آموزان است. متأسفانه این امر باعث به وجود آمدن تفکرات و دیدگاه های منفی در اذهان دانش آموزان و والدین آنها نسبت به درس ریاضی شده است. و ادامه این روند یعنی ناسازگاری در ارتباط مؤثر منجر به بی -علاقگی و حتی تنفر و انزجار بسیاری از افراد نسبت به درس ریاضی شده است اولین هدف یک معلم ریاضی در جو حاکم بر این درس، باید برقرار کردن رابطه ی مطلوب دوستانه و حمایت کننده با دانش آموزان باشد. چنین هدفی فقط با تعامل میان معلم و دانش آموز حاصل می آید. چند روز اول مدرسه و اولین دیدارهای دانش آموزان با معلم از این نظر بسیار مهم است. بنا بر این به آن توجه خاص داشت. معلمان تازه کار به طور معمول از معلمان قدیمی تر می شنوند که تا هنگامی که دانش آموزان به او احترام نگذاشته اند در برابر آنها نخندند. زیرا ایشان بر این باورند که دانش آموزان برای احترام گذاشتن به معلم باید از وی بترسند. اما نظریه پردازان انگیزش می گویند که به دانش آموزان نشان دهید که به آنها علاقه دارید و می توانند به شما اعتماد کنند و در صورت نیاز برای هر کمکی به شما رجوع نمایند.

معلمان بر خلاف خلبانها و معمارها یا جراحها، آموزش فشرده ای در مهارتهای حرفه شان ندیده اند. به نوعی از آنان انتظار می رود که وقتی وارد کلاس می شوند در مورد مسائل پیچیده روابط بشری تجربه و مهارت داشته باشند. از معلمها خواسته می شود که در جریان فعالیت روزانه شان:

- (۱) انگیزه یادگیری ایجاد کنند.
- (۲) مشوق خود مختاری باشند و عزت نفس را تقویت کنند.
- (۳) از شدت اضطراب (anxiety) بکاهند و ترس را از بین ببرند.
- (۴) یأس و نومیدی (frustration) را کم کنند.
- (۵) سبب کاهش تعارضها و کشمکشها (conflict) شوند و خشم را فرو بنشانند.

یکی از معلمها می گفت: «من از قبل می دانم که دانش آموز به چه چیزی نیاز دارد. من نیاز او را حس می کنم. او نیاز دارد قبولش داشته باشند. به او احترام بگذارند، دوستش داشته باشند. به او اعتماد کنند، او نیاز دارد که تشویقش کنند، پشتیبانی اش کنند، او را به فعالیت و دارند و موجبات تفریح و خوشی اش را فراهم آورند تا بتوانند به کاوش و آزمایش بپردازند. و به نتایج موفقیت آمیزی برسد، عجب حکایتی است! او این همه نیاز دارد. و من تنها چیزی کم دارم، عقل و دانایی سلیمان است و بیش و فراست ابن سینا و علم و دانش خیام و ایثار و از خود گذشتگی فلو رانس نایتینگل».

سازگاری در ارتباط بین معلم و دانش‌آموزان چگونه ایجاد می‌شود؟

سازگاری در ارتباط می‌تواند تعلیم و تربیت را تغییر دهد. این سازگاری نه تنها بر رفتاری‌های تدریس اثر می‌کند، بلکه یادگیری را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد. کاری که در بسیاری از مدارس ما شکل گرفته است و تمام نیروی آن در اختیار کودکان قرار گرفته و شخصیت آنها را غنی و زندگی‌شان را عزت و اجر می‌بخشد. معلم‌ها، مانند خلبان‌ها، معمار‌ها، یا اطباء آموزش فشرده‌ای در حرفه‌شان دیده‌اند. بنابراین از آنان انتظار می‌رود وقتی که وارد کلاس می‌شوند در مورد مسائل پیچیده روابط بشری تجربه و مهارت داشته باشند. از معلم‌ها خواسته می‌شود که در جریان فعالیت روزانه‌شان:

▪ انگیزه یادگیری ایجاد کنند، مشوق خودمختاری باشند

▪ عزت‌نفس را تقویت کنند، اعتماد به نفس پدید آورند

▪ از شدت اضطراب بکاهند، ترس را از بین ببرند و یاس را کم کنند

معلم‌ها، به مقدار زیادی کفایت و کاردانی در ارتباط محتاجند. معلمی که ذهن روشن و آگاه دارد نسبت به معنا و مفهوم واژه‌ها حساسیت نشان می‌دهد. او می‌داند موضوع درسی که دانش‌آموز یاد می‌گیرد اغلب به سبک کار معلم بستگی دارد. او از احساسات آگاه است و گفتار مناسبی دارد که از طریق آن درک و تفاهم را به دانش‌آموز انتقال می‌دهد. او نسبت به ارتباطی که دانش‌آموز را خراب می‌کند آزر می‌دارد. او از سرزنش و شرمسار کردن دانش‌آموز پرهیز می‌کند و از اهانت و تشر زدن به او نفرت دارد. گفتار او خالی از هرگونه مکالمه مخرب و بیان غلط و اشتباه است.

سازگاری در ارتباط، نوعی موفقیت است و مستلزم یادگیری و تمرین و انضباط شخصی است. این امر متضمن تمرین بسیار است. این ادعا که در یک رابطه خوب، آدم می‌تواند هرچه دلش خواست بگوید بدون اینکه زبانی به کسی برسد، ادعایی تسلی‌بخش است، اما غلط است. به این باور می‌ماند که آدم وقتی سلامت و تندرست است می‌تواند هرچیزی را ببلعد بدون اینکه زیان ببیند حتی سم را.

نقش معلم در رشد و تکامل دانش‌آموزان

معلمین در تکامل حس کوشش دانش‌آموزان از طریق واگذاری مسئولیت اداره کلاس، انگیزش فعالیت‌های جمعی، با شناخت و به‌کارگیری زمینه‌های ذوقی دیگر می‌توانند مؤثر باشند. همچنین معلم می‌تواند حس اعتماد به نفس، استقلال وجودی، قریحه و ابتکار دانش‌آموزان خود را تقویت کرده و یا با تشویق خود، این زمینه‌ها را پر بارتر کند. به علاوه معلم می‌تواند از نظر اخلاق، رفتار، صداقت و سایر صفات مطلوب انسانی برای دانش‌آموزان الگویی مناسب شده و اثر وجودی و اخلاقی خود را در ذهن کودک گاهی تا سنین بالای زندگی استوار کند.

نقش معلم در سازندگی دانش‌آموز وقتی مؤثرتر و پر بارتر می‌شود که همکاری نزدیک و مکرر با والدین دانش‌آموز را داشته باشد و به‌صورت یک ارتباط متقابل، معلم مطالبی را درباره رفتار و خصوصیات خلقی کودک از اولیاء و آنها نکاتی را در زمینه مسائل آموزشی وی از معلم کسب کرده و در جهت رفع مشکلات او هم‌فکری نمایند. چنین هماهنگی در سنین و جهات مختلف رشد و تکامل دانش‌آموز، مثل رعایت نظم و انضباط، رقابت سالم با خواهر یا برادر، آموزش مسائل بهداشتی و بلوغ‌جنسی و رفتاری وی می‌تواند کارساز باشد.

ویژگی های معلمان اثربخش

علمان باید استانداردهایی برای موفقیت تعیین کنند و دانش‌آموزان را آگاه سازند که از همه آنها انتظار می‌رود به این استانداردها دست یابند. این توصیه، دو موضوع بسیار با اهمیت را به یکدیگر پیوند می‌دهد:

یکی تعیین استانداردهای هدفمند، یعنی استانداردهای مهم، چالش برانگیز و قابل حصول و دیگری انتقال انتظارات معلم به دانش آموز، یعنی انتظار دستیابی آنان به این استانداردها، این توصیه از این رو اهمیت دارد که علاوه بر پیشنهاد دستیابی به بعضی استانداردها، پیشنهادهای نیز برای اجتناب از استانداردهای دلخواه (۱) و ناپایدار (هوس برانگیز) (۲) دارد. همچنین توصیه می کند، از استانداردهایی که برای دانش آموزان قابل حصول نیستند، دوری شود و از استانداردهایی که دانش آموزان بدون هیچ تلاشی می توانند به آنها دست یابند نیز پرهیز شود و سرانجام این که نباید انتظارات زیادی از دانش آموزان به خصوص گروه های کوچک تر دانش آموزی داشت.

ارتباط معلم با همکاران

تدریس یک کار انفرادی نیست. شغل معلمی به همکاری و ارتباط با سایر همکاران نیز نیاز دارد. ارتباط مؤثر با سایر همکاران در موفقیت شما به عنوان معلم بسیار تأثیرگذار است. انجام برنامه ریزی های درسی به همراه همکاران، به اشتراک گذاری تجربیاتتان با آنها، حضور در جلسات، ارتباط با مدیر و غیره، همگی نیازمند مهارت های ارتباطی خوبی از سوی معلم هستند.

اگر احساس می کنید از سایر همکارانتان جدا افتاده اید یا همواره درگیر تعارض و کشمکش با آنها هستید، به احتمال زیاد باید تغییراتی را در خودتان ایجاد کنید و مهارت های ارتباطی خود را در این زمینه توسعه دهید.

علاوه بر این نکات، در ارتباط با همکارانتان بهتر است موارد زیر را نیز در نظر بگیرید:

در حضور شاگردانتان، مدیر، سایر معلم ها و والدین، از معلم های دیگر بدگویی نکنید.

انتقادهای مخرب را کنار بگذارید و تا حد امکان از انتقادهای سازنده، تشویق و حمایت استفاده کنید.

با تواضع و فروتنی با همکارانتان ارتباط برقرار کنید.

نگرش مثبت خود را تقویت کنید.

حساسیت های افراد را درک کنید.

به علایق آنها توجه نشان دهید

نتیجه گیری

معلمین در تکامل حس کوشش دانش آموزان از طریق واگذاری مسئولیت اداره کلاس، انگیزش فعالیت های جمعی، با شناخت و به کارگیری زمینه های ذوقی دیگر می توانند مؤثر باشند. همچنین معلم می تواند حس اعتماد به نفس، استقلال وجودی، قریحه و ابتکار دانش آموزان خود را تقویت کرده و یا با تشویق خود، این زمینه ها را پربارتر کند. به علاوه معلم می تواند از نظر اخلاق، رفتار، صداقت و سایر صفات مطلوب انسانی برای دانش آموزان الگویی مناسب شده و اثر وجودی و اخلاقی خود را در ذهن کودک گاهی تا سنین بالای زندگی استوار کند.

نقش معلم در سازندگی دانش آموز وقتی مؤثرتر و پربارتر می شود که همکاری نزدیک و مکرر با والدین دانش آموز را داشته باشد و به صورت یک ارتباط متقابل، معلم مطالبی را درباره رفتار و خصوصیات خلقی کودک از اولیاء و آنها نکاتی را در زمینه مسائل آموزشی وی از معلم کسب کرده و در جهت رفع مشکلات او همفکری نمایند. چنین هماهنگی در سنین و جهات مختلف رشد و تکامل دانش آموز، مثل رعایت نظم و انضباط، رقابت سالم با خواهر یا برادر، آموزش مسائل بهداشتی و بلوغ جنسی و رفتاری وی می تواند کارساز باشد. هنگامی که دانش آموزان بیشتر توجه و انرژی خود را برای جلب توجه و اطمینان و احترام معلم صرف می کند می توان گفت که آن ها به معلم وابسته هستند و از بیرون کنترل می شوند آن ها در این که اوقات خود را چگونه بگذرانند به علایق درونی خود متوجه نیستند آن ها تکلیف را به دلیل خود آن ها و چالش انگیز بودن خود تکلیف انجام نمی دهند بلکه به ارزش ها و تاکیدهای معلم توجه دارند و تکالیفی را که چندان علاقه ای به آن ها ندارند انجام می دهند زیرا فکر می کنند با انجام این گونه تکالیف توجه معلم را جلب خواهند کرد. هدف از این راهبردهای جلوگیری از توجهات بی دلیل دانش آموزان به ارزش ها و انتظارهای معلم است. شاید این طور به نظر آید که این هدف بر خلاف آن است یعنی اگر دانش آموزان معلمان را با نظر مثبت بنگرند در این صورت معلمان سرمشق ارزش های تحصیلی آن ها خواهند بود هنگامی که دانش آموزان با معیارها و ارزش های معلمان درگیر باشند این خطر هست که آن ها را به بهای فراموش کردن خود بپذیرند. دانش آموزانی که معلم را سرمشق آرمانی خود می دانند علایق و ارزش های خود را نیز انکار نمی کنند. دانش آموزان وابسته را باید برای اجتناب از این امر تشویق کرد و آن ها را به ارزش ها و اهداف خود متوجه نمود تا ادراک کنترل و خودمختاری آن ها افزایش یابد. به این منظور لازم است تا نیاز دانش آموزان به توجه و احترام غیر مشروط از جانب معلم برآورده گردد. به بیان دیگر همه ی دانش آموزان باید بدون در نظر گرفتن موفقیت یا شکستشان در تحصیل مورد احترام و توجه واقعی قرار گیرند. هنگامی که چنین شود دانش آموزان بر این باور خواهند بود که ارزش آن ها به عنوان یک فرد با وضعیت تحصیلی شان ارتباط دارد و ارزشمندی خود را وابسته به تعریف و تمجید معلم نمی دانند. معلم می تواند به همین طریق با کاهش تعریف و تمجیدهای کلی و افزایش برجسته کردن جنبه های خاص و موفق دانش آموزان توجه ایشان را از دآوری معلم به جانب کیفیت عملکرد خودشان سوق دهد. دانش آموزان می باید بیاموزند که برای خود فعالیت و لذتی که از انجام آن می برند و نه به دلیل توجه و احترام معلم به انجام هر فعالیتی بپردازند. در واقع آن ها باید بیاموزند که لذت ایشان در انجام مطلوب فعالیت و افزایش قابلیت ها است و به دنبال واکنش دیگران در برابر موفقیت های خود نباشند. این لذت ذاتی با مهارت گرایی یا تکلیف گرایی سازگاری دارد یعنی توجه دانش آموزان بر مهارت یافتن به تکلیف و نه بر جلب توجه دیگران متمرکز می شود و در نهایت معلمان می توانند به دانش آموزان تلقین کنند تا برای موفقیت های خود اسنادهای درونی مانند تلاش و توانایی و برای شکست هایشان اسناد های درونی ناپایدار مانند تلاش داشته باشند و از این طریق تمایل ایشان را به وابسته بودن به معلم کاهش دهند و ادراک کنترل شخصی ایشان را تقویت نمایند.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- ۱- یغما، عادل، (۱۳۸۴)، کاربرد روش ها و الگوهای تدریس، تهران، انتشارات مدرسه، چاپ ششم.
- ۲- اسپالدینگ، چریل. ال. (۱۳۸۷)، انگیزش در کلاس درس، مترجم محمد رضا نایینیان و اسماعیل بیابانگرد، تهران، انتشارات مدرسه.
- ۳- سیف، علی اکبر، (۱۳۸۵)، مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، تهران، نشر روان.
- ۴- سرتیپی، سیاوش، (۱۳۸۰) روابط معلم و شاگرد، تهران، انتشارات فاخته.

منابع انگلیسی

- 1-Middiestadt.s.(1979)student perceptions of teacher interactions with male high and how achievers.lournal of educational psychology 74
- 2-zimmerman.B.schunk.D.(1989)self –regulated learning and academic achieuement..
- 3-Hanson,(1985).perr models:Influence on childrens,self-efficacy and achievement.journal of educationsl psychology,77,313-322